



چرا به مدرسه می‌آیم؟

(بخش اول)

قرار گیرند. همه‌ی کودکان، به رغم تفاوت‌های عمیق از نظر خانوادگی، فرهنگی، قومی یا نژادی، با امید بسیاری راه مدرسه را پیش می‌گیرند، تا مستقل شوند، دوستانی پیدا کنند، اوقات دلپذیری را در آنجا بگذرانند و اهمیت و احترام یک شاگرد مدرسه را پیدا کنند.

آرزوی همه‌ی آنان این است که در آینده‌ای نه‌چندان دور، به‌عنوان عضو ارزشمندی از جامعه، در زندگی فردی و اجتماعی خود نقش مؤثر و فعالی بر عهده داشته باشند.

نکته‌ی قابل توجه در پژوهش‌های ما این است که به هنگام گفت‌وگو با دانش‌آموزان، هرگز از هیچ یک نشنیدیم که بگویند: به مدرسه می‌آیم تا درس نخوانم، بی‌دقت و بازبگوش شوم، نمرات بد بگیرم، بچه‌ها را اذیت کنم و ...

هیچ دانش‌آموزی هم نگفت: «من برای آسیب‌رسانی به مدرسه می‌آیم، برای کتک خوردن و رفوزه شدن، برای ترک تحصیل آمده‌ام.»

چنین جملات تلخی را از زبان هیچ دانش‌آموزی نشنیدیم. پاسخ‌های صادقانه‌ی دانش‌آموزان

موقعیت مدرسه یا محله‌ی مسکونی خود، انتظارات کامبیش مشترکی از مدرسه را به شرح زیر ابراز می‌دارند:

- به مدرسه می‌یام تا قوی بشم.
- تا پولدار بشم.
- تا باسواد بشم و شماره‌ی خونه‌ها و مغازه‌ها را بخونم و گم نشم.
- برای اینکه پلیس بشم.
- معلم بشم.
- بزرگ بشم.
- مثل مامانم دکتر بشم.
- برای بازی با بچه‌ها.
- برای اینکه تربیت بشم!
- می‌خوام دوست پیدا کنم.

پاسخ‌های فوق نشان می‌دهد، با اینکه کودکان غالباً بدون حق انتخاب روانه‌ی مدرسه می‌شوند، اما با شروع تحصیل و ادامه‌ی زندگی در این محیط پیچیده‌ی اجتماعی، هر کدام به تدریج خواسته‌ها و انتظارات ویژه‌ای از مدرسه پیدا می‌کنند که باید دقیقاً مورد توجه مسئولان و معلم‌های مدرسه

همواره شاهد لحظات پرمعنا و تجربه‌های منحصربه‌فردی در رابطه با احساس‌ها، آرزوها و انتظارات دانش‌آموزان و اولیای آنان از مدرسه بوده‌ایم. در جریان یکی از پژوهش‌ها، معصومانه‌ترین جملات را در پاسخ به سؤال‌ی با این مضمون که «چرا به مدرسه می‌آیی» از یکی از کودکان کلاس اول شنیدیم. او در حالی که صورت ظریف خود را بالا گرفته و با چشم‌های سیاه و نگاه کنجکاو خود به ما می‌نگریست، پاسخ داد: «چون مامانم منو می‌فرسته.»

پاسخی قابل تأمل که نشان می‌داد خانواده در طول شش سال اول زندگی فرزند خود، هدف از مدرسه رفتن و اهمیت یادگیری را برای او آشکار نکرده است.

البته شکی نیست که مادر جوان این کودک فرزندش را با آرزوها و انتظارات بزرگی روانه‌ی مدرسه کرده بود. در این قبیل پژوهش‌ها، معمولاً دانش‌آموزان بر حسب طبقه‌ی اجتماعی،

و آنچه از تفسیر گفت‌وگوهای متعدد با آنان دریافت می‌شود، حاکی از این است که همه‌ی کودکان برای موفق شدن به مدرسه می‌آیند و مهم‌ترین انتظار آن‌ها از مدرسه نشان دادن راه‌های موفقیت به آن‌هاست. اما متأسفانه بسیاری از دانش‌آموزان از شروع دوره‌ی ابتدایی به سبب ساختار و سیاست‌ها و برنامه‌های مدرسه، به تدریج انگیزه‌ی یادگیری را از دست می‌دهند و با احساس تعلق نداشتن به مدرسه و کلاس، سال‌های طلایی و اثرگذاری را که می‌توانست در کسب موفقیت‌های فردی، اجتماعی و حرفه‌ای آن‌ها در آینده سرنوشت‌ساز باشد، با بی‌تفاوتی سپری می‌کنند.

از آن دردناک‌تر، سرنوشت تعداد زیادی از دانش‌آموزانی است که همه ساله، به علت شکست یا ترک تحصیل، از چرخه‌ی نظام آموزشی خارج می‌شوند و چه بسا به خیل بازماندگان از تحصیل یا بی‌سوادان می‌پیوندند؛ چیزی که نشان می‌دهد مدرسه رسالت و اراده‌ی جدی برای تضمین موفقیت تحصیلی و بهداشت روانی همه‌ی دانش‌آموزان برای خود قائل نیست و لذا راهکارهای مؤثری هم برای مقابله با ترک تحصیل دانش‌آموزان تدبیر نمی‌شود.

سیاست‌هایی از قبیل ایجاد رقابت بین دانش‌آموزان به جای همکاری آنان با هم، تأکید بر همسان‌سازی به جای توجه و تکریم تفاوت‌ها، قضاوت دانش‌آموزان براساس نمرات درسی نه تلاش، و تأکید بر انضباط منفی به جای حمایت از دانش‌آموزان آسیب‌پذیر با استفاده از انضباط مثبت، برخی از روش‌های رایجی هستند که به خروج قطعی دانش‌آموز از مدرسه، پیش از پایان یافتن یک دوره‌ی تحصیلی، می‌انجامد.

مدرسه از مهم‌ترین عوامل موفقیت دانش‌آموزان است

پیشرفت درسی و اخلاقی هدایت کنند. براساس پژوهش‌ها، انجام مداخله به‌منظور کمک به پیشرفت درسی دانش‌آموزان، احتمال شرکت آنان در رفتارهای پر مسئله را کاهش می‌دهد. همچنین، عملکرد درسی ضعیف دانش‌آموزان با شروع، فراوانی و شدت رفتارهای بزهکارانه ارتباط مستقیم دارد.

بررسی دقیق برنامه‌ها و فعالیت‌های مدرسه‌های موفق همچنین بیانگر این واقعیت است که تلاش‌های مسئولان و معلم‌های آن‌ها عمدتاً بر ایجاد تغییر به‌منظور بهبود عوامل و متغیرهای درون مدرسه متمرکز است.

با توجه به تجربه‌های مدرسه‌های موفق، برخی از عوامل مؤثر در هدایت دانش‌آموزان به سوی پیشرفت و موفقیت تحصیلی و رفتاری را می‌توان به این شرح خلاصه کرد:

تعیین اهداف مشخص در مدرسه برای موفقیت تحصیلی همه‌ی دانش‌آموزان، درک صحیح شرایط هر کودک و ایجاد فرصت‌هایی برای اینکه بتواند

با اینکه برخی از صاحب‌نظران، کمبودهای خانوادگی را مسبب اصلی مسائل تحصیلی و رفتاری دانش‌آموزان تلقی می‌کنند، مطالعات دهه‌های اخیر با تأیید اثرات غیرقابل انکار شرایط و ویژگی‌های خانواده بر فرزندان، بر این واقعیت تأکید می‌کند که عوامل مرتبط با مدرسه، در تعیین و پیش‌بینی موفقیت یا شکست دانش‌آموزان نقش عمده‌ای دارند. پژوهشگران معتقدند، به کارگیری سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیری یا ترمیمی مدرسه برای حمایت از دانش‌آموزان، می‌تواند حتی بسیاری از کمبودهای خانوادگی از نظر فرهنگی و اجتماعی را جبران کند. شاهد این ادعا وجود مدرسه‌های پیشرو و اثربخش در سراسر جهان، از جمله در ایران است که به رغم وجود تفاوت‌های عمده‌ی دانش‌آموزان از نظر سطح اقتصادی و فرهنگی خانواده، توانسته‌اند دانش‌آموزان خود را براساس استعدادهای آنان به بالاترین سطح





به رغم تجربه‌های متفاوتی که با سایر دانش‌آموزان داشته است، رشد کند و موفق شود، از وظایف اصلی هر مدرسه است. شکی نیست که تغییر و بهبود برخی از متغیرهای درون مدرسه مانند ساختار، شیوه‌های رهبری، روش‌های تدریس، محتوا و امکانات آموزشی، از عوامل مهم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان هستند.

در عین حال، پیش از توجه به جنبه‌های فنی و تخصصی آموزشی، ایجاد شرایط مطلوب در مدرسه می‌تواند پیش‌نیاز آماده‌سازی کودکان و نوجوانان و ایجاد انگیزه در آنان برای یادگیری و تلاش بیشتر باشد. بهبود جو فیزیکی و روانی مدرسه، تشخیص دانش‌آموزان آسیب‌پذیر و حمایت از آنان، برقراری برابری بین دانش‌آموزان با حمایت از اولیا و توجه به رشد حرفه‌ای معلم‌ها و بهبود شرایط کاری آن‌ها، از عوامل مؤثر تضمین موفقیت تحصیلی و بهداشت روانی دانش‌آموزان محسوب می‌شوند. در این مقاله به هر کدام از این عوامل اشاره‌ی مختصری می‌شود.

تضمین موفقیت‌های کودک کمک می‌کند، تقویت عزت‌نفس اوست. عزت‌نفس را می‌توان به معنای ارزش قائل شدن برای خود، همان‌گونه که هستیم، بخشیدن خود برای خطاهای گذشته و تلاش برای جبران خطاها با داشتن امید به آینده تعریف کرد.

با اینکه عقیده و احساس درباره‌ی خویش، از ابتدای تولد تحت تأثیر نگرش و رفتارهای اطرافیان، به‌خصوص مادر و پدر، قرار می‌گیرد، زمانی که کودک مدرسه را آغاز می‌کند، نگرش و رفتارهای معلم و هم‌تایان در تکمیل و ارتقای عزت‌نفس یا برعکس در کاهش و تخریب آن تأثیر می‌گذارد.

عامل مهم دیگری که لازم است در محیط مدرسه و کلاس مورد توجه مسئولان و معلمان قرار گیرد، تقویت احساس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه است. همه‌ی ما نیاز داریم به جایی تعلق داشته باشیم و در آنجا احساس کنیم از طرف جمع پذیرفته شده‌ایم. محیطی می‌تواند این احساس را در

در حالی که بی‌نظمی، کثیفی و فرسودگی وسایل و تجهیزات، بی‌توجهی مسئولان مدرسه به نیازهای دانش‌آموزان را تداعی می‌کند. از طرف دیگر، مشاهده‌ی وضعیت نامطلوب فیزیکی مدرسه الگوی نامناسبی برای اقتباس به دانش‌آموزان عرضه می‌کند.

جو اجتماعی روانی مدرسه

جو مدرسه نشان‌دهنده‌ی ارزش‌ها، نگرش‌ها و احساس‌های مشترکی است که بر زندگی و تعامل‌های درون مدرسه حاکم است. جو اجتماعی مدرسه یعنی کیفیت زندگی و ارتباطات درون مدرسه از نظر همه‌ی کسانی که در آنجا کار و تحصیل می‌کنند. امنیت، انصاف و عدالت از ابعاد اصلی جو اجتماعی هر سازمان به شمار می‌آیند.

جو سالم مدرسه و تقویت اعتمادبه‌نفس

یکی از عواملی که در محیط اجتماعی مدرسه به تسهیل یادگیری و

جو فیزیکی مدرسه

برای اینکه دانش‌آموزان بتوانند یاد بگیرند و رشد سالمی داشته باشند، نیازمند مدرسه‌ای امن و حمایت‌کننده‌اند، به نحوی که در کلاس، حیاط، فضاهای ورزشی، سرویس حمل‌ونقل و سایر فضاهای مرتبط، احساس امنیت کنند.

بهبود جو فیزیکی از طریق توجه به نظافت، زیبایی، نگهداری، تعمیر به موقع ساختمان و تجهیزات مدرسه حاصل می‌شود. فضاهای آموزشی پاکیزه، امن و راحت، احساس امنیت و ارزشمند بودن را در دانش‌آموز تقویت می‌کند،



دانش‌آموزان به وجود آورد که به او بگوید برای موفق شدن چه باید بکند، چه کسانی در مدرسه برای حمایت از او وجود دارند و در مقابل چالش‌ها و مشکلاتی که با آن‌ها روبه‌روست و تکالیف سختی که بر عهده دارد، تنها نیست، بلکه معلم او یا بزرگسال حمایت‌کننده‌ی دیگری در کنارش قرار دارند.

تشخیص دانش‌آموز آسیب‌پذیر در هر کلاس و ارائه‌ی خدمات حمایتی

در مدرسه، موفقیت تحصیلی هر دانش‌آموز با تشخیص نیازهای او و تفاوت‌های او با دیگران و حمایت از وی، با ارائه‌ی برنامه‌ها و خدماتی حاصل می‌شود که برای پیشرفت درسی و رشد اجتماعی او ضروری هستند. خدمات حمایتی در مدرسه را می‌توان در وهله‌ی اول برای دانش‌آموزانی که نیازهای خاص دارند (اختلال یادگیری، محرومیت اقتصادی و فرهنگی، ناتوانی جسمی و تیزهوشی) در نظر گرفت. لازم است این خدمات در مدرسه برای

جبران کمبودهای فردی، خانوادگی و اجتماعی فراهم شوند.

بخش دیگر خدمات اجتماعی شامل ایجاد ساختارهای سرپرستی برای حمایت از همه‌ی دانش‌آموزان است. خدماتی را می‌توان سرپرستی نامید که به رشد هماهنگ ذهنی، عاطفی و اجتماعی همه‌ی دانش‌آموزان و ایجاد عادت‌ها و نگرش‌های مثبت در آنان توجه داشته باشند و با برنامه‌ریزی دقیق و برقراری محیطی مناسب، زمینه را برای تحقق اهداف فوق فراهم آورند. برخی از حیطه‌های سرپرستی را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. کمک به کسب مهارت‌های شخصی (گوش دادن، راحت صحبت کردن، ابراز راحت احساس‌ها و افکار خود)
۲. ایجاد عادت برای حفظ سلامت و بهداشت شخصی
۳. کمک به رشد اخلاقی و اجتماعی
۴. توجه به نیازهای رشدی دانش‌آموزان (محبت، امنیت، کسب تجربه‌های تازه، تأیید و احترام و پذیرش مسئولیت)
۵. آموزش چگونگی مدیریت و کنترل خشم

وظایف مدرسه در قبال دانش‌آموزان، تنها به موارد فوق منحصر نیست. از آنجا که خانواده می‌تواند مهم‌ترین دستیار مدرسه برای تحقق و موفقیت درسی دانش‌آموزان و رشد اخلاقی آنان باشد، یکی از مسئولیت‌های دست‌اندرکاران مدرسه، جلب مشارکت اولیای دانش‌آموزان و راهنمایی آنان در مورد روش‌های سازنده‌ی تربیتی و شیوه‌های مؤثر حمایت از فرزندان است. این موضوع در بخش دوم مقاله مورد توجه قرار خواهد گرفت.

از طرف دیگر، با توجه به نقش و مسئولیت عظیم معلم‌ها در پیشرفت تحصیلی و رفتاری دانش‌آموزان،

خصوصیات معلم‌های یادگیرنده و شاخص‌های تدریس مؤثر از دیگر موضوعات مورد بحث در بخش بعدی مقاله خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. نتایج پژوهشی در سال ۱۳۷۸ در مورد علل آسیب‌رسانی دانش‌آموزان به وسایل و تجهیزات مدرسه به خوبی نظر برخی از دانش‌آموزان را در مورد وضعیت فیزیکی مدرسه‌ها و واکنش‌های آنان به مدرسه نشان می‌دهد: «وقتی وسایل مدرسه را تعمیر نمی‌کنند، مثلاً دستگیره‌ی در کلاس یک هفته است که لق شده است، اما تعمیر نمی‌شود، ما آن را از بیخ می‌کنیم!» (دانش‌آموز سال اول دبیرستان) «در مدرسه‌هایی که تحصیل می‌کردیم، وقتی توالت‌ها را خوب تمیز نمی‌کردند؛ مثلاً در توالت کثیف بود، ما به آن در دست نمی‌زدیم، بلکه با لگد آن را باز و بسته می‌کردیم که باز هم کثیف‌تر می‌شد.» (دانشجوی رشته‌ی علوم تربیتی)

۲. برای مثال، زمانی که کودک در کلاس دچار مشکلات درسی می‌شود، اگر به زودی اقدامات لازم برای تشخیص مشکل و حمایت از او برای رفع کمبودهایش انجام نگیرد و از آن بدتر، وقتی کودک به خاطر مشکلات یادگیری در مدرسه سرزنش، تحقیر یا تنبیه می‌شود، واکنش‌های طبیعی او اتخاذ رفتارهایی از قبیل امتناع از یادگیری، فرار از انجام تکالیف، غیبت از کلاس و بیزاری از درس و تحصیل خواهد بود.

منابع

۱. بازرگان، زهرا و محمدعلی گودرزی (۱۳۷۸). بررسی عوامل آسیب‌زا در مدرسه‌های شهر تهران. انتشارات وزارت آموزش و پرورش.
۲. بازرگان، زهرا (۱۳۹۷). میانجیگری در مدرسه. انتشارات مدرسه.
۳. قنبری، داوود (۱۳۹۴). میانجیگری همتایان در مدرسه. انتشارات شادمان.
4. Pam Law (2011). Les Preequis Pour la succes scolaire des eleves a L'ecole www. Twitter.com/prlow.